



پایه دوم، شماره ۲

علوی

گنجینه تابستان

این قصه :

نظافت



بنی پاکیزگی و نظافت را دوست نداشت همیشه موهایش پُر از گرد و خاک و گل بود. سگ های همسایه همه از بوی بد او ناراحت بودند و از دستش شکایت می کردند یک روز بنی داشت از کنار لانه ی برفی رد می شد ناگهان صدای برفی به آسمان رفت و گفت: «وای، وای چه بوی بدی! چه شکلی! به من نزدیک نشو! و سریع از بنی دور شد.



خال خالی که همسایه ی او بود، گفت: «بنی تو چرا مثل همه گودال آبی پیدا نمی کنی و خودت را در آن نمی شویی؟» بنی تنش را خاراند و گفت: «من دوست ندارم به حمام بروم، از شست و شو بدم می آید. بنی هر روز به بازی می رفت و کیف تر از روز قبل به لانه برمی گشت. بعد هم در لانه اش می نشست و شروع می کرد به خاراندن تنش. کم کم موهای بنی شروع کرد به ریختن. روزها می گذشت و موهای او کم و کمتر می شد. خال خالی که همسایه و دوستش بود خیلی غصه می خورد و به او می گفت: «بنی جان! برو خودت را بشوی. کم کم همه ی موهایت می ریزد و زشت می شوی، اما بنی به این حرف ها گوش نمی کرد یک روز خال خالی سگ های همسایه را جمع کرد و ماجرا را برای آن ها تعریف کرد. سگ ها نشستند و فکر کردند. فکر کردند و فکر کردند، تا اینکه راهی پیدا کردند. همه با هم به لانه ی بنی رفتند. بدون اینکه او بداند، فوراً او را بلند کردند و به سمت گودال آب بردند. بنی هرچه تلاش می کرد و دست و پا می زد، فایده ای نداشت. سرانجام به گودال آب رسیدند و بنی را انداختند توی گودال! او خواست از گودال آب بیرون بیاید که دوستش خال خالی را رو به روی خودش دید. بنی دوباره خواست از گودال بیرون بیاید که خال خالی با صدای بلندی گفت: «به به، چقدر زیبا و خوشگل شدی! آفرین، حالا زود خودت را بشوی و بیا که همه منتظر تو هستند، بنی با شنیدن این حرف خودش را خوب شست. بعد هم به کمک سگ های دیگر به لانه برگشت. بنی وقتی دید همه با او مهربانی می کنند و به او آفرین می گویند، تصمیم گرفت که پس از این، زود زود به حمام برود تا همیشه پاکیزه و پیش همه عزیز باشد.



فرزندم به سوالات زیر پاسخ بده.

(۱) چرا سگ‌های همسایه از بنی ناراحت بودند؟

الف) چون بازی نمی‌کرد.

ب) چون بوی بد می‌داد.

ج) چون گودال آب را خراب کرده بود.

د) چون غذای آن‌ها را خورده بود.

(۲) چه چیزی باعث شد موهای بنی بریزد؟

الف) غذا نخوردن

ب) بازی زیاد

ج) نرفتن به حمام و کثیفی زیاد

د) دعوا با سگ‌ها

(۳) خال‌خالی دوست بنی بود و همیشه به او می‌گفت: «بنی جان، برو خودت را ____».

(۴) سگ‌ها بنی را بلند کردند و او را به سمت ____ بردند.

(۴) کدام صحیح و کدام غلط است؟

الف) بنی از شست‌وشو و حمام رفتن لذت می‌برد.

ب) بعد از اینکه بنی خودش را شست، همه از او تعریف کردند.

(۵) چرا خال‌خالی تصمیم گرفت سگ‌های دیگر را جمع کند؟

(۶) چه تغییری در رفتار بنی پس از شستن خودش ایجاد شد؟

(۷) تفاوت رفتار خال‌خالی و دیگر سگ‌ها نسبت به بنی در ابتدا و انتهای داستان چه بود؟

(۸) اگر تو به جای خال‌خالی بودی، چه راه دیگری برای تمیز شدن بنی پیشنهاد می‌دادی؟